



اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران

مجتبی ملکی شه‌ریور^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۱

چکیده

در این مقاله ضمن شاخص سازی فقر اقتصادی از طریق خط فقر مطلق (معادل ریالی ۲ دلار در هرروز برای هر نفر) برای خانوارهای شهری ج.ا.ایران، به بررسی رابطه کوتاه مدت و بلندمدت اثر درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی در ایران می‌پردازیم. دوره زمانی بررسی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۹۴ و روش تحلیل روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) است. یافته اصلی این تحقیق نشان می‌دهد که در بلند مدت هر یک درصد افزایش (کاهش) در درآمدهای نفتی، باعث افزایش (کاهش) ۱.۴۳ درصدی در میزان فقر اقتصادی خانوارهای شهری می‌شود. این نتیجه مطابق با نظریات اقتصادی در خصوص رابطه درآمدهای نفتی و فقر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. یافته دیگر این تحقیق نشان از تأثیر منفی متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت و مثبت توزیع درآمد بر میزان فقر دارد.

طبقه بندی JEL: O47, O15, O13, I32, C32

واژه‌های کلیدی: فقر اقتصادی، درآمدهای نفتی، توزیع درآمد، رشد اقتصادی، روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده

^۱ استادیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران
mojtabamaleki7214@yahoo.com

۱. مقدمه

و از این طریق باعث کاهش ضریب امنیت ملی و تهدید نظام سیاسی کشورها شوند. لذا توجه به عدالت اجتماعی می تواند ثبات نظام سیاسی هر کشور را به دنبال داشته باشد. یکی از مهمترین شاخص‌های کمی عدالت اجتماعی در هر کشوری نحوه توزیع درآمد و فقر و روند آن‌ها می باشد. در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران نیز به اهداف اقتصادی مرتبط با موضوع اشاره شده است: ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت. برخورداری آحاد جامعه از رفاه و تأمین اجتماعی. دستیابی به توزیع مناسب درآمد و رفع فقر. مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله بین دهک‌های بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاست‌های مناسب جبرانی.

مطالعات زیادی در خصوص نقش درآمدهای نفتی بر توسعه اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت صورت گرفته است. اما به طور خاص و ویژه مسئله فقر و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر آن چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. بر این اساس در زمینه موضوع بحث چند خلأ داریم: یکی ضعف نظری در زمینه ابعاد و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر پدیده فقر و دیگری خلأ موجود در زمینه شاخص فقر است که به‌طور ویژه شاخص معتبر و قابل قبولی که بتوان به آن استناد کرد و آن را وارد مدل کرد نداریم. این خلأ نیز بخشی از خلأ نظری و آماری موجود در زمینه این موضوع است.

ارائه یک تبیین نظری نو از رابطه بین درآمدهای نفتی با فقر و تبیین نظری و ارائه شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری فقر اقتصادی و نیز برآورد مقدار اثر درآمدهای نفتی بر شکل‌گیری فقر اقتصادی در ایران اهمیت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد و کاربرد اصلی آن ارزیابی وضعیت و عملکرد نظام و مسئولان آن در زمینه عدالت اجتماعی و نیز مبارزه با فقر اقتصادی به‌عنوان بخشی از اصلی‌ترین تهدیدهای اقتصادی نظام و ارائه پیشنهادهایی علمی مبتنی بر یافته های این پژوهش برای مبارزه با فقر اقتصادی در کشور است. در مورد ضرورت انجام این تحقیق، اولاً با توجه به تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر این‌که اصلاح امور کشور با در نظر گرفتن سه شاخص اصلی فقر، فساد و تبعیض امکان‌پذیر است و اغلب شاخص‌های موجود برای سنجش فقر برای سال‌های محدودی و با روش‌های مختلف است و ثانیاً به دلیل اهمیت و تأثیر درآمدهای نفتی در شکل‌گیری پدیده مذکور و این‌که اغلب مطالعات انجام‌گرفته در مورد درآمدهای نفتی، تأثیر تکانه‌های نفتی بر توزیع

بهره‌مندی از منابع طبیعی از جمله نفت و درآمدهای حاصل از آن به عنوان سرمایه مادی به طور طبیعی باید بتواند موجبات تحقق عدالت اجتماعی که مهمترین هدف هر نظام سیاسی است را فراهم کند. در این خصوص بررسی‌های بسیاری در باره نقش حضور منابع طبیعی در اقتصاد کشورهای دارای این منابع در دسترس است که بیشتر با عنوان نفرین منابع شناخته می‌شود. هر یک از این بررسی‌ها، با رویکرد ویژه خود به اثرهای زیان‌بار ناشی از وارد شدن درآمدهای منابع طبیعی مانند نفت، به اقتصاد کشورها پرداخته‌اند. منابع طبیعی یکی از مهمترین منابع ثروت ملی کشورها به شمار می‌رود. در آغاز این گونه برداشت می‌شد که درآمدهای منابع طبیعی برای یک کشور ثروت است و پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را در پی خواهد داشت و بر این پایه منابع طبیعی می‌توانند عاملی مهم در سرعت بخشیدن به سرمایه‌گذاری و در پی آن رشد اقتصادی باشند (ابراهیمی و سالاریان، ۱۳۸۸، ۷۸). لکن در بیشتر کشورهای دارای این منابع با تقویت نقش و جایگاه دولت در اقتصاد در کنار وجود نهادهایی با زیرساخت قانونی ضعیف، با بروز فساد و ایجاد فرصت‌های رانت جویی برای در اختیار گرفتن درآمد ناشی از این منابع توزیع درآمد در جامعه تحت تأثیر منفی قرار گرفته و آن را به سمت یک توزیع نابرابر پیش برده و عده‌ای را در فقر و عده‌ای برخوردار از این رانت را در رفاه نگه داشته است. لذا تعداد زیادی از ملت‌های جهان خصوصاً در کشورهای توسعه‌نیافته و به‌ویژه کشورهای دارای منابع طبیعی به‌رغم داشتن سرمایه مادی با پدیده‌های شومی چون فقر، فساد تبعیض، بیکاری و تورم و به طور کلی کاهش عدالت اجتماعی روبرو هستند و رهایی از آن‌ها به‌عنوان یک آرزوی دور و دست‌نیافتنی برای آن‌ها تبدیل شده است. با توجه به این‌که منابع طبیعی به‌طور مستقیم و ذاتاً نمی‌تواند مانع رشد اقتصادی شود، لذا به نظر می‌رسد این پدیده از طریق کانال‌هایی - همانند بیماری هلندی، فساد اداری، رانت جویی، رابطه‌ی مبادله، بی‌ثباتی و سرمایه‌ی انسانی، به‌صورت غیرمستقیم موجب بروز برخی انحرافات در عملکرد اقتصادهای متکی بر منابع شده و در نتیجه رشد اقتصادی آن‌ها را به‌طور منفی متأثر می‌کند. در نهایت برآیند اثر کل، به‌صورت رابطه‌ی منفی بین وفور منابع و رشد اقتصادی مشاهده می‌شود (نظری، ۱۳۸۹: ۴۸).

نظریات و مطالعات تجربی فراوانی در تأیید این مسئله وجود دارد که عوامل با ماهیت اقتصادی نظیر فقر، نابرابری، بیکاری، فساد و تورم می‌توانند منجر به شورش، جنگ داخلی، نارضایتی عمومی و وقوع انقلاب‌های اجتماعی گشته

بانک جهانی: فقر، محرومیت ضمنی و رسمی در رفاه و شامل بسیاری از ابعاد، شامل درآمد پایین و عدم توانایی برای به دست آوردن کالاهای اساسی و خدمات لازم برای بقای باعزت است. فقر شامل پایین بودن سطح بهداشت و درمان و آموزش، دسترسی ضعیف به آب سالم و بهداشت، امنیت فیزیکی ناکافی، فقدان اعتراض و ظرفیت و فرصت‌های ناکافی برای زندگی بهتر است.

تعریف فقر همگام با نیازهای عصر خود در تحول بوده است و مسائلی مانند شکاف درآمدی، رژیم غذایی، بهداشت، آموزش، توانمندی و ... را در تعریف خود گنجانده است. تعریف اولیه فقر بیشتر بر روی فقر درآمدی معطوف بوده‌اند. "تانسند" فقر را به صورت زیر تعریف می‌کند: افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم غذایی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۰). با ورود به قرن بیستم تا حدی توجه به فقر کاهش یافته و سایر موضوعات جامعه‌شناختی مورد توجه محققان قرار گرفته بود، اما در سال ۱۹۲۹ بحران بزرگ موجب شد تا تعداد فقرا در کوتاه‌مدت افزایش چشمگیری پیدا کند و همین موضوع به‌علاوه اعتراضات اتحادیه‌های کارگری دولت‌ها را بر آن داشت تا به مسئله فقر توجه بیشتری نشان دهند. اروپای پس از جنگ هم به دلیل بحران‌های ناشی از جنگ نیازمند توجه به فقر و فقرزدایی بود؛ اما به تدریج با مطرح شدن جامعه مرفه بودجه‌های تحقیقاتی کاهش یافت. پس از آن در دهه ۱۹۶۰ جنبش‌های گروه‌های اجتماعی اقلیت موجب شد تا دوباره فقرزدایی از اهداف اصلی دولت‌ها شود؛ اما با روی کار آمدن تاجر در انگلستان و ریگان در آمریکا سیاست‌های نئولیبرال جایگزین حمایت‌های اجتماعی پیشین شد و در نتیجه تعداد فقرا افزایش یافت. همچنین سیاست‌های تعدیل ساختاری در کشورهای در حال توسعه موجب شد تا شورش‌های موسوم به شورش‌های نان شکل بگیرد و در نتیجه توجه به فقر و فقرزدایی وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد. در پایان دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ ما شاهد انبوهی از تعاریف و تحقیقات فقر و ساخت انواع استانداردهای مربوط به توسعه و رفاه هستیم (پیران، ۱۳۷۵: ۱۰۰). در همه این دوره‌ها تعاریف فقر گسترده و برنامه‌های اجرایی متنوع بوده است، به‌خصوص در دوره اخیر با توجه به پدیده جهانی شدن و گسترش نیروی کار ارزان برای صنایع کشورهای توسعه‌یافته کیفیت فقر تفاوت کرده است.

درآمدی و یا رشد اقتصادی در سال‌های محدودی می‌باشد و اندک مطالعاتی هم در مورد تأثیر درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی صورت پذیرفته که این پژوهش می‌تواند خلأ موجود را پر نماید و ثالثاً سنجش پدیده مذکور و همچنین دستیابی به میزان تأثیر درآمدهای نفتی بر آن‌ها می‌تواند راهبردهای مبارزه با آن‌ها را تا حدود زیادی مشخص نماید.

۲. ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱. ادبیات نظری

۱-۱-۱. مفهوم فقر^۱

واژه پاوره^۲ «فقر» از ریشه لاتین پایپر^۳ می‌آید که با کلمات یونانی پایکاس^۴ و پنس^۵ (فقیر) قرابت داشته و با پنیاً^۶ (فقر، گرسنه) هم‌خانواده است. همچنین «فقر» را در زبان یونانی با واژه اپوریا^۷ (راه به جایی نداشتن، مشکلی که فقیر با آن دست‌به‌گریبان است) تعریف می‌کنند (هانری، ۱۳۷۴: ۸۰). در فرهنگ معین فقر به معنای تهیدستی و تنگدستی و فقیر به معنی تهیدست، تنگدست و در فرهنگ دهخدا فقر به معنای درویشی، خلاف غنی و اندوه و فقیر به معنی آنکه بسیار محتاج است و هیچ چیز ندارد، آمده است. در فرهنگ عربی المنجد فقیر به معنای ضد غنی و به انسانی که صبح می‌کند در حالی که محتاج است یا نداشتن چیزی که او را کفایت کند آمده است. در فرهنگ لاروس فرانسه واژه فقیر به مفهوم کسی است که منابع، اموال و پول کمی در اختیار دارد یا فردی که تولید کم و ناکافی داشته باشد.

طبق تعریف فرهنگ دانشجویی میریام- وبستر، فقر به وضعیت فردی گفته می‌شود که فاقد مقدار پول یا مایملک مادی معمولی یا به لحاظ اجتماعی، مقبول است (کانور و اسکوایر، ۱۳۸۲: ۲۲۶). در بسیاری از فرهنگ‌های لغت فقر را به معنی عدم تکاپو برای کسب ضروریات زندگی تعریف کرده‌اند. از دید سازمان ملل متحد: اساساً فقر، محرومیت از انتخاب‌ها و فرصت‌ها و نقض کرامت انسانی است. این به معنای عدم وجود ظرفیت‌های اساسی برای مشارکت مؤثر در جامعه است. منظور از فقر عدم دسترسی به تغذیه و پوشاک به اندازه کافی خانواده، نداشتن یک مدرسه یا درمانگاه، نداشتن زمین جهت رشد مواد غذایی یا کار برای گذراندن زندگی فرد، یا عدم دسترسی به وام نیست. این به معنای ناامنی، ناتوانی و محرومیت افراد، خانواده‌ها و عموم است. این به معنی آمادگی برای خشونت و اغلب دلالت بر زندگی در محیط‌های حاشیه‌ای و یا شکننده دارد، بدون دسترسی به آب و یا فاضلاب بهداشتی.

توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که قابلیت‌های انسان شکوفا و به عملکرد تبدیل شود. به‌عنوان مثال، سواد یک قابلیت و خواندن یک عملکرد است و برای رسیدن به توسعه، باید مانعی در مسیر تبدیل سواد به خواندن یا قابلیت به عملکرد وجود نداشته باشد. وجود موانع و فقدان آزادی در این مسیر نشانه فقر و داشتن آزادی به‌مثابه توسعه خواهد بود. لذا فقر را می‌توان در پنج بعد (فقر اقتصادی یا مادی، فقر سیاسی، فقر اجتماعی، فقر اطلاعات و فقر حمایت) در این تعریف شناسایی کرد که آزادی افراد را جهت شکوفا شدن قابلیت‌هایشان محدود می‌نماید (براتی، ۱۳۹۰). همچنین در مطالعات متعددی به ابعاد دیگری از فقر اشاره شده است: فقر جسمی، فقر روحی و معنوی، فقر فرهنگی، فقر علمی و فقر جمعیتی.

درباره شاخص‌های فقر در جهان پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. مهم‌ترین کار انجام‌شده شاخص‌های پیوست شاخص توسعه انسانی درباره فقر است که در گزارش‌های سالانه سازمان ملل و سازمان کشورهای توسعه‌یافته با نام گزارش توسعه انسانی آورده می‌شود و کشورهای مختلف جهان بر اساس آن رتبه‌بندی می‌گردند. بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰، شاخص فقر

تعریفی که از فقر می‌شود نقش مهمی در اتخاذ سیاست‌های مبارزه با فقر دارد. اگر تعریف ما از فقر، فقر به‌مثابه محرومیت از درآمد باشد، فقیر کسی است که از تأمین درآمد ناتوان است و تمرکز ما بیشتر بر روی مسائل شکاف درآمدی و رفع این شکاف خواهد بود و به‌احتمال قوی سیاست‌های حمایتی بیشتری مدنظر قرار می‌گیرد و نگرش ما کوتاه‌مدت می‌شود. ولی اگر فقر راه فقر به‌مثابه محرومیت از قابلیت تعریف کنیم، فقیر کسی است که ناتوان از خروج از وضعیت فقر است و تمرکز ما بر روی شکاف قابلیت‌ها و توانمندی افراد خواهد بود و در این حالت سیاست‌هایی مدنظر قرار می‌گیرند که معطوف بر رشد قابلیت‌های فردی و توانمندسازی افراد است و نگرش ما بلندمدت بوده و محدوده فقر در نگاه ما وسیع‌تر می‌شود بر این اساس است که تفکر و برداشت ما از فقر مهم جلوه می‌کند و به نظر می‌رسد که برای مبارزه با فقر مهم‌ترین مرحله، اصلاح نگرش در مورد مسئله فقر است.

با توجه به گزارش‌های نوبه‌ای توسعه جهانی بانک جهانی و همچنین سیر تطور تفکر درباره فقر و تعریف ارائه‌شده از سن در مورد فقر مبتنی بر محرومیت از قابلیت که در سطحی گسترده مورد پذیرش اقتصاددانان است، می‌توان به ابعاد مختلف فقر اشاره نمود. از دیدگاه سن،

جدول (۱): شاخص‌های مهم اندازه‌گیری میزان فقر

شاخص	توضیح
شاخص نسبت افراد فقیر	ساده‌ترین روشی که به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود، شاخص نسبت افراد فقیر است که نسبت جمعیتی که فقیر شمرده می‌شوند را اندازه می‌گیرد.
شاخص شکاف فقر	این شاخص به‌صورت نسبت میانگین شکاف درآمدی افراد فقیر به خط فقر تعریف شده است. شاخص نسبت افراد فقیر، حساسیتی در مقابل میزان شکاف فقر در میان افراد فقیر جامعه ندارد؛ اما در مقابل، شاخص شکاف درآمدی نیز هیچ‌گونه حساسیتی به نسبت افراد فقیر ندارد (رئیس دانا، ۱۳۸۴: ۷۰).
شاخص مجذور شکاف فقر (شدت فقر)	این گروه از شاخص‌ها (که با علامت FGT نمایش داده می‌شوند) بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت.
شاخص سن	برای حل مشکل شاخص‌های نسبت افراد فقیر و شکاف درآمدی شاخص سن (۱۹۷۶) ارائه شده است که بر پایه مفهوم رتبه‌ای رفاه قرار دارد. شاخص سن به شاخص جینی منتهی می‌شود، به شرط آن‌که ضریب جینی برای افراد فقیر در نظر گرفته شود.
شاخص SST	شاخص SST معیار مناسبی برای سنجش شدت فقر محسوب می‌شود. این شاخص شدت فقر را با در نظر گرفتن تعداد فقرا، عمق فقر و نابرابری بین فقرا اندازه‌گیری می‌کند و به ما اجازه می‌دهد که فقر را از سه جنبه بررسی کنیم: این که آیا تعداد فقرا زیاد است؟ آیا فقیرها فقیرتر شده‌اند؟ و این که آیا توزیع نابرابری در میان فقرا بیشتر است؟ (باقری و کاوند، ۱۳۸۵: ۱۸۱)
شاخص وات	مطالعه توزیع فقر با توجه به متغیرهای مختلف به ما اجازه می‌دهد درک ویژگی‌های مردم فقیر و در نتیجه طراحی اقدامات مؤثر در مبارزه با فقر تسهیل گردد. اولین شاخص فقر حساس به توزیع در سال ۱۹۶۸ توسط وات پیشنهاد شد (موردادج، ۱۹۹۸: ۳۸۵).
شاخص زمان صرف شده برای خروج از فقر	شاخص زمان خروج از فقر، متوسط زمان لازم برای رسیدن به خط فقر با نرخ رشد درآمد ثابت را برای فقرا اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص به‌سادگی با تقسیم شاخص وات به نرخ رشد درآمد فقرا به دست می‌آید.
شاخص هاگنارس ^۹	متوسط میانگین هندسی درآمد مردم فقیر را نیز در نظر می‌گیرد.

انسانی، کانال پسانداز، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌فیزیکی، کانال پول، تورم و سرمایه مالی (گیلفاسون، ۲۰۰۴: ۱). افزایش شدت سرمایه طبیعی به زیان سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی گردیده که در نتیجه کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد. شواهد تجربی از کشورهایی که به شدت وابسته به منابع طبیعی هستند نشان می‌دهد که در آنها (الف) تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی کمتر، (ب) فساد بیشتر، (ج) برابری کمتر، (د) آزادی سیاسی کمتر، (ه) سطوح آموزش پایین تر، (و) سرمایه‌گذاری داخلی کمتر و (ز) عمق مالی کمتر نسبت به کشورهای دیگر که وابستگی کمتری به منابع طبیعی دارند، می‌باشند. (همان)

یکی از کانال‌های انتقال اثرات منابع و ذخایر طبیعی از طریق سرمایه انسانی است. هنگامی که درآمدهای به‌دست‌آمده از منابع دیگر به‌غیر از منبع سرمایه انسانی افزایش پیدا کند، توجه به سرمایه انسانی برای سرمایه‌گذاری کمتر می‌گردد. از آنجایی که سرمایه انسانی یکی از عوامل اساسی افزایش رشد می‌باشد، کاهش این عامل باعث کاهش رشد می‌گردد. همچنین شواهدی وجود دارد که در تمام کشورها، هزینه‌های عمومی در آموزش و پرورش نسبت به درآمد ملی، سال‌های تداوم تحصیل و ثبت‌نام در مدارس با فراوانی منابع طبیعی رابطه عکس دارد (گیلفاسون، ۲۰۰۱: ۳۵).

برخی پژوهشگران در تبیین تأثیر منفی فراوانی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به عامل سرمایه انسانی تمرکز کرده و بیان می‌کنند که منابع طبیعی فراوان به پائین ماندن سطح سرمایه انسانی در این کشورها در مقایسه با کشورهای فاقد منابع طبیعی منجر می‌گردد چراکه صنایع متکی بر منابع طبیعی به کارگران با مهارت‌های پایین‌تری نسبت به صنایع دیگر نیاز دارند. از آنجاکه استحصال مواد اولیه و خام در مقابل کالاهای فراوری شده با سطوح پائین سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود تمایل به سمت استحصال مواد خام و اولیه بیشتر بوده و در مقایسه با صنایع کارخانه‌ای نیازمند سرمایه انسانی محدودی است. از این‌رو در این کشورها اهمیت و نقش سرمایه انسانی ماهر و بالا به‌طور کلی نادیده گرفته می‌شود. لذا گفته می‌شود دلیل این‌که در کشورهای دارای منابع طبیعی غنی، سطح مخارج آموزشی و متوسط سال‌های تحصیل به‌طور نسبی پائین و کمتر از کشورهای دیگر است اتکا به درآمدهای ناشی از فراوانی منابع طبیعی و غفلت از اهمیت سرمایه انسانی و نیز عدم استفاده بهینه از آن است که در نهایت باعث کندهی رشد اقتصادی شده است (بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۷). یک

چندبعدی در سه بعد: سلامت، آموزش و استانداردهای زندگی در ده شاخص: تغذیه، مرگومیر کودکان، سال‌های رفتن به مدرسه، کودکان ثبت‌نام کرده در مدارس، سوخت برای پخت‌وپز، توالیت بهداشتی، آب بهداشتی، برق، طبقه، دارایی منعکس می‌شود. شاخص‌های مهم اندازه‌گیری فقر در جدول (۱) آورده شده است.

۲-۲. مبنای نظری تأثیر درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی
پدیده نفرین منابع، در اصطلاح به اثر چندجانبه مخربی که از محل افزایش قیمت نفت و سایر منابع طبیعی بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع صادرکننده اعمال می‌شود، اطلاق می‌گردد. یکی از حقایق آشکار شده که نظریات منابع و توزیع درآمد بر آنها استوار می‌باشد، این است که منابع و ذخایر زیرزمینی قادر به رفع فقر و بهبود توزیع درآمد نبوده است. از طرفی فقر درآمدی از دید اقتصادی دارای دو علت اساسی است که هر دو علت در مقوله توسعه‌نیافتگی اقتصادی خلاصه می‌شود. این دو علت عبارت است از بازدهی کم سرانه شاغلین و چهارچوب الگوی توزیع درآمد در جامعه (عظیمی، ۱۳۶۹: ۵۲). لذا مطالعه مکانیسم‌های تأثیر درآمدهای نفتی بر دو مقوله مذکور یعنی بازدهی کم سرانه شاغلین یا رشد اقتصادی و وضعیت توزیع درآمد در جامعه می‌تواند تبیینی از مکانیسم تأثیر درآمدهای نفتی بر روی فقر باشد.

وابستگی به منابع طبیعی از جمله نفت، بر روی برخی از متغیرها با مکانیسم‌های نامعلومی اثر می‌گذارد که این متغیرها سبب‌ساز کندهی و یا صدمه دیدن رشد اقتصادی می‌شوند. یک چالش بسیار مهم برای نظریه‌پردازان رشد و نیز اقتصاددانانی که به مطالعه و بررسی تجربی در این گرایش می‌پردازند، مشخص کردن و تعریف نمودن تقریبی این متغیرها و مکانیسم‌هاست. طبقه‌بندی‌های مختلفی از مکانیسم‌های اثرگذاری، در مطالعات متعدد ارائه شده است که طبقه‌بندی استیونس و گیلفاسون نمونه‌هایی از آنهاست (ابراهیمی و سالاریان، ۱۳۸۸: ۸۰).

مکانیسم‌های اثرگذاری منابع طبیعی بر رشد اقتصادی از دیدگاه استیونس: کاهش بلندمدت در رابطه‌ی مبادله، نوسان درآمدها، بیماری هلندی، اثر جایگزینی (جبرانی)، افزایش مداخله‌ی دولت در اقتصاد می‌باشند.

پنج کانال اصلی انتقال وفور منابع طبیعی به سمت کاهش سرعت رشد اقتصادی در مطالعه گیلفاسون و زوگا مطرح شده است:

کانال بیماری هلندی و سرمایه خارجی، کانال رانت‌خواری و سرمایه اجتماعی، کانال آموزش و سرمایه

بیشتر شدن شکاف طبقاتی و وضعیت توزیع ناعادلانه درآمد کمک می‌کند (شمس و پالیزبان، ۱۳۸۹: ۶۲). صنایع مربوط به نفت، گاز و سایر معادن معمولاً ماهیت دورافتادگی از سایر صنایع و بخش‌های اقتصادی دارند. چرا که این نوع صنایع دارای ارتباطات پیشینی و پسینی ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصاد هستند. لذا در خلال تولید در چنین صنایعی تنها تعداد کمی از نیروهای متخصص و نسبتاً ماهر به کار گرفته شده و سایر نهادهای تولیدی نیز از خارج اقتصاد وارد می‌شود. لذا دور از انتظار نیست که درآمدهای حاصل از این صنایع تنها میان عده‌ای قلیل توزیع گشته و منجر به نابرابری درآمد در جامعه گردد (مرادی، ۲۰۰۹: ۹). فراوانی منابع به دو دلیل ممکن است منجر به افزایش نابرابری درآمد شود: اول، صنایع مربوط به نفت، گاز و سایر معادن معمولاً ماهیت دورافتادگی از سایر صنایع و بخش‌های اقتصادی دارند. چرا که این نوع صنایع دارای ارتباطات پیشینی و پسینی ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصاد هستند. لذا در خلال تولید در چنین صنایعی تنها تعداد کمی از نیروهای متخصص و نسبتاً ماهر به کار گرفته شده و سایر نهادهای تولیدی نیز از خارج اقتصاد وارد می‌شود. لذا دور از انتظار نیست که درآمدهای حاصل از این صنایع تنها میان عده‌ای قلیل توزیع گشته و منجر به نابرابری درآمد در جامعه گردد. دوم، هزینه‌های عمومی ممکن است نابرابری را تشدید کند. این می‌تواند ناشی از این باشد که هزینه‌های عمومی در بخش رسمی شهرها نسبت به خانواده‌های روستایی متمرکز شده یا به سمت منافع طبقه‌های ثروتمند تر هدایت شوند (مرادی، ۲۰۰۹: ۱۰-۹).

در صورت عدم استفاده از سیاست عقیم‌سازی ارز خارجی توسط بانک مرکزی، فروش دلارهای نفتی به بانک مرکزی باعث افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی و به دنبال آن افزایش پایه پولی می‌گردد. افزایش پایه پولی نیز با مکانیسم ضریب فزاینده پولی باعث رشد شدیدتر نقدینگی و به دنبال آن تورم در کشور می‌شود و با توجه به اینکه تورم در دهک‌های مختلف درآمدی اثرات متفاوتی دارد، می‌توان گفت افزایش درآمدهای نفتی از این طریق تابع توزیع درآمد را به ضرر گروه کم‌درآمد تغییر داده و شکاف طبقاتی را زیادتر می‌کند (صاحب هنر و ندری، ۱۳۹۲: ۱۲۱). همچنین اتکای بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولت باعث کم توجهی به مالیات و اخذ آن به صورت بهینه و کاهش بار مالیاتی می‌شود. که این مسئله از طرفی باعث فرار مالیاتی اقشار پردرآمد جامعه شده و بار دیگر باعث تغییر توزیع

گزارش استثنایی بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ که بر مبنای اطلاعات سال ۱۹۹۴ منتشر شد، نشان داد که: درحالی‌که سهم سرمایه‌ی انسانی در کل ثروت ملی آمریکای شمالی و اروپای غربی به ترتیب ۷۶ و ۷۴ درصد بوده است، این سهم در خاورمیانه کمترین مقدار خود در سطح جهان را داشته و ۴۳ درصد بوده است؛ و درحالی‌که سهم سرمایه‌ی طبیعی در کل ثروت ملی در آمریکای شمالی و اروپا به ترتیب ۵ و ۳ درصد بوده است، این سهم در خاورمیانه بالاترین رقم جهان را داشته و ۳۹ درصد بوده است (حسن تاش، ۱۳۸۸: ۳).

همچنین سرمایه طبیعی ممکن است به سرمایه اجتماعی نیز آسیب وارد کند. از آنجایی‌که محور ثقل سرمایه اجتماعی، اعتماد میان مردم و دولت و نهادها با یکدیگر است، در صورت اتکای دولت به درآمدهای ناشی از منابع طبیعی و گسست ارتباط مردم و دولت و نهادها با یکدیگر، مدیریت اقتصادی دولت برای نیل به رشد اقتصادی بالا با موفقیت همراه نخواهد بود.

سرمایه‌ی اجتماعی با فراهم کردن محیطی آرام و باثبات از نظر اجتماعی و سیاسی، در وهله‌ی اول بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. سپس در مرحله‌ی بعدی، تغییر ایجاد شده در سرمایه‌گذاری، رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صفدری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۴). مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های مدنی و کیفیت دیوان‌سالاری با رشد اقتصادی همبستگی دارد (همان). لذا سرمایه طبیعی با آسیب وارد کردن بر موارد مذکور به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی را با تأثیر منفی مواجه می‌سازد.

برخی اقتصاددانان این دیدگاه را توسعه دادند که روابط پسین و پیشین ناشی از صادرات کالاهای اولیه با بقیه اقتصاد در مقایسه با صنایع کارخانه‌ای ضعیف‌تر است. به‌طوری‌که صنایع کارخانه‌ای برخلاف تولید منابع طبیعی به تقسیم کامل‌تر کار و بهبود استاندارد زندگی می‌انجامد. بنابراین رشد اقتصادی در کشورهای با وفور منابع طبیعی کندتر است (یاوری و سلمانی، ۱۳۸۴: ۴).

مطالعات زیادی افزایش نابرابری درآمدی ناشی از استخراج و وفور منابع طبیعی را تأیید کرده اند. بیماری هلندی ناشی از درآمدهای نفتی به همراه سیاست‌های تشویقی دولت‌ها، بانک‌ها و شهرداری‌ها در هدایت و تزریق نقدینگی به بخش مسکن، بدون توجه به چگونگی توزیع آن بین گروه‌های درآمدی، می‌تواند منافع دهک‌های درآمدی بالا و سودگران زمین و مسکن را به‌سرعت تأمین نماید و از سوی دیگر قدرت و توان خرید مسکن گروه‌های کم‌درآمد و جوانان را به‌شدت کاهش دهد. لذا افزایش قیمت مسکن به

منابع برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری عمومی مورد استفاده قرار گیرد، افزایش می‌یابد؛ اما در صورت تمایل به صرف هزینه‌های سرمایه‌گذاری عمومی در صنعت و سهمیم نکردن بخش کشاورزی، فقر روستایی و توزیع درآمد بین بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصاد افزایش می‌یابد.

مالایه و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از داده‌های ترکیبی ۴۰ کشور در حال توسعه در طول دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۶ به بررسی تاثیر رانت درآمدهای نفتی بر نابرابری می‌پردازند. نتایج اقتصاد سنجی، دو نتیجه مهم را به دست می‌دهد. ابتدا رابطه غیر خطی (U شکل) بین درآمدهای نفتی و نابرابری وجود دارد. به ویژه، درآمدهای نفتی نابرابری را در کوتاه مدت کاهش می‌دهد. با افزایش درآمد نفت، این اثر پس از آن تقلیل می‌یابد. نتیجه دیگر این است که کاهش نابرابری درآمد در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی به طور کامل توسط افزایش فساد تحلیل می‌شود. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که منابع نفتی، اگر به خوبی مدیریت شوند، یک برکت است.

در کتابی با عنوان تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت، دیویس^{۱۱} و همکاران به تحلیل اوضاع این کشورها می‌پردازند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به منابع وابسته است، در مقایسه با کشورهایی که غیروابسته هستند، اولاً رشد آهسته‌ای را تجربه کرده‌اند. ثانیاً فقر در کشورهای تولیدکننده نفت گسترش یافته است و نهایتاً نوسانات درآمدهای نفتی موجب تحمیل هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی در کشورهای تولیدکننده نفت شده است (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

نخجوانی غروی (۱۳۸۰) به منظور اثرسنجی درآمدهای نفتی بر وضعیت فقر خانوارهای ایرانی، ابتدا با استفاده از آمار و ارقام مربوط به هزینه-درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور و با کمک آمار و اطلاعات موجود، به بررسی فشرده وضعیت فقر خانوارها مبادرت و سپس سازوکارهای موجود در اقتصاد ایران که تأثیر درآمدهای نفتی را به زندگی خانوارهای کشور منتقل می‌کند، شناسایی و سرانجام تأثیر نهایی درآمدهای نفتی بر وضعیت اقتصادی خانوارهای کشور با کمک روش‌های اقتصادسنجی محاسبه و بررسی نموده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۸ نه تنها بهبودی نیافته، بلکه رو به وخامت گذاشته است. مطالعه انجام شده نشانگر این واقعیت است که خانوارهای شهری تغییر بیشتری را در اوضاع اقتصادی خود تجربه کرده‌اند و فاصله اقتصادی میان طبقات شهری و

درآمد به ضرر دهک‌های پایین درآمدی می‌شود (همان، ۱۲۲).

با این حال، فراوانی منابع می‌تواند منجر به کاهش نابرابری درآمد شود. این اثر منفی درآمدهای نفتی روی نابرابری درآمدی ممکن است از طریق دو مکانیزم رخ دهد. اول این که بخشی از هزینه‌های اجتماعی شامل پرداخت‌های انتقالی مستقیم به فقرا، افزایش درآمد آن‌ها و بازتوزیع درآمد از ثروتمندان به فقرا صورت گیرد. دوم این که هزینه‌های اجتماعی ممکن است دسترسی فقرا را به آموزش و سایر فعالیت‌های تقویت کننده سرمایه انسانی، مانند مراقبت‌های بهداشتی را افزایش دهد و در نتیجه به برابری درآمد در آینده کمک کند. (مرادی، ۲۰۰۹: ۱۰).

۲-۲. پیشینه پژوهش

صراف و جیوانجی (۲۰۰۱) اثر افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی بر نابرابری درآمدی در کشور بوتسوانا را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که مدیریت و تخصیص مناسب این درآمدها توانسته این کشور را از یک نرخ رشد اقتصادی مناسب و پایدار برخوردار نموده و نابرابری درآمدی را کاهش دهد.

مرادی (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تأثیر فراوانی منابع نفت بر دو متغیر عمده اقتصادی، رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران را در فاصله سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۵ با استفاده از روش ARDL مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی در بلندمدت اثرات مثبت و معنی داری بر GDP دارد. علاوه بر این، این مطالعه نشان می‌دهد که فراوانی نفت تأثیر منفی و معنی داری بر توزیع درآمد دارد. این به این معنی است که درآمد نفت باعث افزایش برابری درآمد در ایران می‌شود.

بوهمه^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۰) اثرات کوتاه و درازمدت درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی بر فقر را در غنا با استفاده از شاخص فقر FGT (فوستر، گریو و توربک)، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آن‌ها در این تحقیق نتیجه گرفتند که رونق منابع و افزایش هزینه‌های عمرانی و یا عمومی، علاوه بر اثرات مستقیم، پیامدهای کوتاه‌مدت و درازمدتی بر تعادل عمومی دارد که به صورت غیرمستقیم اثرات بزرگ منفی بر کشاورزی و همچنین درآمد و فقر در مناطق روستایی می‌گذارد. با این حال، هنگامی که هزینه‌های عمرانی در زیرساخت‌های عمومی صرف گردد، با افزایش بهره‌وری عوامل خصوصی، رفاه بلندمدت به واسطه رونق منابع - علی‌رغم مشاهده کوتاه‌مدت اثرات بیماری هلند - در صورتی که حداقل بخشی از درآمد

می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که در دوره یادشده درآمدهای نفتی در کشورهای توسعه‌یافته‌ای که دولت کارا دارند، سبب کاهش نابرابری توزیع درآمد و در بیشتر کشورهای دارای دولت‌های با کارایی کمتر سبب افزایش نابرابری شده است، علت این تفاوت‌ها را می‌توان در زیرساخت نهادی و قانونی کشورها و ایجاد فرصت‌های رانت جویی جست‌وجو کرد و چنان‌که در رگرسیون تخمین زده‌شده، متغیر جانشین رانت جویی بیش‌ترین تأثیر را بر نابرابری توزیع درآمد داراست.

شمس و پالیزیان (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر درآمد نفت بر بازار مسکن در ایران پرداختند. نویسندگان با اشاره به این نکته که در چند سال اخیر بر اثر تقاضای جهانی، قیمت نفت به‌طور سرسام‌آوری افزایش پیدا نموده است به پیامد آن، افزایش نقدینگی و افزایش تقاضای احتکاری زمین و مسکن اشاره می‌کنند که ابعاد شهروند زدایی و فقر شهری را گسترش داده است و به علت نبود یک بورژوازی صنعتی قوی شاهد رشد طبقه سوداگر و دلال در عرصه زمین و مسکن بوده‌ایم. اثرات این نابرابری درآمدی و فقر شهری باعث گسترش اسکان غیررسمی در پیرامون شهرها گردیده است.

شاه آبادی و صادقی (۱۳۹۲) اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی دو کشور ایران و نروژ را در طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۷۰ و در قالب الگوی خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد منابع طبیعی در ذات خود در کوتاه‌مدت و بلندمدت مانعی برای رشد اقتصادی این کشورها نیست. هم‌چنین آزادی اقتصادی و سرمایه انسانی نیز در هر دو کشور ایران و نروژ در کوتاه‌مدت و بلندمدت، اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارند.

صاحب هنر و ندری (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط میان درآمدهای نفتی و توزیع درآمد در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۵۲ می‌پردازند. برای تخمین ضرایب مدل از شش تابع پیشین مختلف همچون مینسوتا و SSVS استفاده نموده و توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس محاسبه نمودند. نتایج مدل حاکی از آن است که افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش نابرابری در ایران شده است. هم‌چنین افزایش تورم، مخارج دولت و نسبت مخارج مصرفی به مخارج عمرانی دولت نیز نابرابری را افزایش می‌دهد. اما افزایش تولید سرانه نابرابری را کاهش داده است.

مهرآرا (۱۳۹۳) رابطه غیر خطی یا نامتقارن میان تکانه‌های نفتی و رشد اقتصادی را برای ایران، برای دوره زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۹ بر اساس تحلیل‌های هم‌انباشتگی گری گوری-هنسن مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج

روستایی به قیمت فقر بیشتر خانوارهای شهری کاهش یافته است. هم‌چنین بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی تأثیر قابل‌توجهی بر وضعیت اقتصادی خانوارهای کشور داشته است.

جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۴۷ پرداخته‌اند. شاخص به کار گرفته شده در توزیع درآمد، ضریب جینی است. در این مقاله از روش جها (۱۹۹۹) که بر اساس یک تابع کاب - داگلاس است، الهام گرفته شده است. روش تخمین الگو، بهره‌گیری از مباحث هم‌جمعی و مدل خودهمبستگی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) است. نتایج به‌دست‌آمده از برآورد مدل نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد در کل کشور و در فضای شهری می‌گردد؛ اما در مورد این تأثیر در فضای روستایی به‌صراحت نمی‌توان اظهارنظر نمود.

سامتی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای، اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد را برای کشور ایران در دوره سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۸ مورد تحقیق قرار دادند. این مطالعه با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی هم‌انباشتگی جوهانسون - جوسلیوس (۱۹۹۹) سعی در آشکار ساختن اثر رشد چشمگیر حجم پول طی سال‌های گذشته بر متغیرهای نابرابری در اقتصاد ملی دارد. نتایج حاصل از این تحقیق گواه بر این مطلب است که مصارف و درآمدهای دولتی باعث افزایش نابرابری‌ها شده است. هم‌چنین، اثر درآمدهای نفتی بر نابرابری در توزیع درآمد تا حدودی مبهم است و خود این متغیر باعث کاهش نابرابری‌ها می‌شود، ولی نظام توزیع موجود این اثر را کاهش می‌دهد و به‌طور آشکار نرخ رشد عرضه پول، باعث افزایش نابرابری شده است.

صمدی و کندری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای، تأثیر درآمدهای نفتی بر روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی فقر در ایران برای دوره زمانی ۸۵-۱۳۵۰ را مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی نتیجه می‌گیرند که ۱ درصد تغییر درآمدهای نفتی باعث ۰/۰۷ درصد تغییر در رشد اقتصادی می‌شود. هم‌چنین درآمدهای نفتی با یک دوره وقفه تأثیر معکوس بر روی بهبود ضریب جینی خواهد داشت.

رحمانی و گلستانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای اثر درآمدهای بالای نفتی در کشورهای منتخب (۱۶ کشور دارای منابع غنی نفتی توسعه‌یافته و درحال‌توسعه) بر روی توزیع درآمد را برای دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۵ با استفاده از روش اقتصادسنجی و روش تخمین pool مورد بررسی قرار

$SHARE_t$: سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به‌عنوان نماینده‌ای از توزیع درآمد
 $INFLAT_t$: نرخ تورم
 OR_t (Oil revenues): درآمدهای نفتی به ریال به قیمت پایه سال ۱۳۹۰
 اگر مدل فوق را به‌صورت لگاریتمی بنویسیم:

$$\ln POV_t = a_1 \ln YNP_t + a_2 \ln SHARE_t + a_3 \ln INFLAT_t + a_4 \ln OR_t + U_t \quad (2)$$

البته با توجه به موثر بودن پرداخت یارانه‌ها در هزینه‌های خانوارها و همچنین میزان فقر، متغیر مجازی D برای سال‌های پرداخت یارانه با ارزش یک و برای بقیه سال‌ها ارزش صفر وارد مدل گردید.

$$\ln POV_t = a_1 \ln YNP_t + a_2 \ln SHARE_t + a_3 \ln INFLAT_t + a_4 \ln OR_t + a_5 D + U_t \quad (3)$$

لگاریتمی نوشتن متغیرها علاوه بر این‌که در برخی موارد می‌تواند متغیرهای ناپایا را تبدیل به پایا کند، مشکل متفاوت بودن واحدهای متغیرها را مرتفع می‌نماید. همچنین ضرایب در این حالت درصد تغییرات متغیرهای وابسته را به ازای تغییر یک‌درصدی هر یک از متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد.

روش کلی جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز، روش اسنادی است. در مورد اطلاعات موردنیاز برای ساختن شاخص فقر در مناطق شهری و نیز اطلاعات درآمدهای نفتی و سایر متغیرهای مدل نهایی از اطلاعات و منابع آماری مرکز آمار و بانک مرکزی استفاده می‌کنیم. نرم‌افزارهای مورد استفاده برای برآورد مدل‌ها Eviews7 و Microfit4 می‌باشند.

۳-۱. شاخص فقر اقتصادی در مناطق شهری ایران^{۱۳}

در این تحقیق منظور از فقر، فقر اقتصادی و مبنای شاخص آن نسبت افراد فقیر می‌باشد. بدین معنی که درصد افرادی که هزینه‌های روزانه آن‌ها پائین تر از مقدار خط فقر مطلق (معادل ریالی ۲ دلار در هر روز برای هر نفر طبق تعریف بانک جهانی) باشند درصد یا نسبت افراد فقیر را تشکیل می‌دهند. برای ساختن شاخص فقر ابتدا از مفهوم خط فقر مطلق که معادل ریالی ۲ دلار در هر روز^{۱۴} برای هر نفر است شروع می‌کنیم. سپس مجموع متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای هر دهک هزینه‌ای را تقسیم بر ۳۶۵ می‌کنیم. متوسط هزینه کل روزانه به‌دست‌آمده برای هر خانوار در هر دهک هزینه‌ای بر بعد خانوار آن دهک هزینه‌ای تقسیم می‌شود تا متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک هزینه‌ای به دست آید. متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک هزینه‌ای

تحقیق نشان می‌دهد که در بلندمدت درآمدهای نفتی، آثار منفی بر رشد اقتصادی ایران داشته‌اند. به علاوه فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر اینکه در کوتاه مدت واکنش رشد اقتصادی نسبت به تکانه‌های نفتی نامتقارن و برای تکانه‌های کاهشی قیمت نفت شدیدتر است مورد تایید قرار می‌گیرد.

۳. مدل تحقیق

در الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL) با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان مدل مناسب را بدون پیش‌داوری و استفاده از نظریه‌های اقتصادی انتخاب کرد. همچنان که در بخش مبانی نظری و پیشینه تحقیق اشاره شد تبیین مکانیسم تاثیر درآمدهای نفتی بر فقر بیشتر از طریق دو مقوله رشد اقتصادی و وضعیت توزیع درآمد در جامعه صورت گرفته است. در تنها موردی که بوهمه و همکاران (۲۰۱۰) اثرات کوتاه و درازمدت درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی بر فقر را در غنا با استفاده از شاخص فقر FGT (فوستر، گریور و توریک)، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند نیز هیچ مدلی که فقر متغیر وابسته باشد ارائه نشده و تنها از طریق نمودار بحث پیگیری شده است، لذا مقاله به لحاظ مدل مقتبس از هیچ مقاله داخلی و خارجی نیست و منشا شکل گیری آن تعریف ارائه‌شده عظیمی از فقر اقتصادی می‌باشد که خود می‌تواند نوآوری این مقاله هم باشد. لذا، برای ارائه مدلی جهت بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر فقر، از تعریف ارائه‌شده عظیمی از فقر اقتصادی استفاده شده است: فقر درآمدی^{۱۵} از دید اقتصادی دارای دو علت اساسی است که هر دو علت در مقوله توسعه‌نیافتگی اقتصادی خلاصه می‌شود. این دو علت عبارت است از بازدهی کم سرانه شاغلین یا سرانه پائین کل و چهارچوب الگوی توزیع درآمد در جامعه. لذا در این مدل متغیر فقر اقتصادی تابعی از متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت و متغیر توزیع درآمد در نظر گرفته شده است. علاوه بر این دو متغیر اساسی، سایر متغیرهای عمده تاثیرگذار بر فقر از جمله نرخ تورم و درآمدهای نفتی را به مدل اضافه می‌کنیم:

$$POV_t = F(YNP_t, SHARE_t, INFLAT_t, OR_t) \quad (1)$$

در این مدل:

POV_t (POVERTY_t): میزان فقر در جامعه شهری
 YNP_t : سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت به ریال به قیمت پایه سال ۱۳۹۰

می‌باشد. همچنین در سایر روش‌های موجود برای بررسی هم‌جمعی مانند یوهانسن باید تمام متغیرها انباشته از درجه مشابهی باشند اما رهیافت آزمون کرانه‌ها نسبت به هم انباشته بودن متغیرها از درجه‌یک $I(1)$ یا صفر $I(0)$ بی‌تفاوت است و در بلندمدت تخمین‌های سازگار و با تورش کمتری را ارائه می‌دهد. اهمیت این مسئله به این دلیل است که نتایج آزمون‌های مختلف ریشه واحد ممکن است درجه‌های انباشتگی متفاوتی را برای متغیرها ارائه دهند و هیچ آزمونی که با قطعیت درجه انباشتگی متغیرها را تعیین کند، وجود ندارد. از این رو، در تعیین درجه انباشتگی متغیرها نااطمینانی وجود دارد که رهیافت آزمون کرانه‌ها این مشکل را حل کرده است (پسران و همکاران، ۲۰۰۱: ۳۱۵). همچنین، در روش یوهانسن باید طول وقفه بهینه تمام متغیرها مشابه باشد و نتایج حاصل از آن نسبت به وقفه انتخاب شده حساس است، اما در این روش نیازی به مشابه بودن طول وقفه بهینه برای متغیرها نیست (پهلوانی و همکاران، ۲۰۰۵: ۸). و در نهایت این‌که در آزمون هم‌جمعی یوهانسن باید انتخاب‌های زیادی مانند انتخاب متغیرهای برون‌زا و درون‌زا و انتخاب طول وقفه بهینه صورت پذیرد و نتایج به دست آمده نیز نسبت به این انتخاب‌ها حساس است اما در رهیافت آزمون کرانه‌ها این مشکلات وجود ندارند (پهلوانی و همکاران، ۲۰۰۵: ۸).

آزمون کرانه‌ها شامل دو مرحله برای تخمین رابطه بلندمدت می‌باشد. در مرحله اول وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در معادله موردنظر بررسی می‌شود. در مرحله دوم ضرایب بلندمدت و ضرایب کوتاه‌مدت با استفاده از مدل‌های $ARDL$ و ECM تخمین زده می‌شود. استفاده از روش کرانه‌ها و وجود هم‌جمعی بین متغیرهای اقتصادی، مبنای آماری استفاده از الگوی تصحیح خطا را فراهم می‌کند. این مدل‌ها در واقع نوعی از مدل‌های تعدیل جزئی‌اند که در آن‌ها با وارد کردن پسماند پایا از یک رابطه بلندمدت، نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت اندازه‌گیری می‌شوند.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. محاسبه شاخص فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران

شاخص فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران یعنی درصد افرادی که هزینه‌های روزانه آن‌ها پائین تر از مقدار خط فقر مطلق (معادل ریالی ۲ دلار در هر روز برای هر نفر) باشند برای سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۴ مورد محاسبه قرار گرفت که در جدول (۲) نشان داده شده است:

را با خط فقر مذکور مقایسه نموده، اگر چنانچه مخارج روزانه برای هر نفر در دهک i ام مساوی یا بزرگ‌تر از خط فقر محاسبه شده باشد آن دهک غیر فقیر تلقی می‌شود و اگر کوچک‌تر از خط فقر باشد آن دهک فقیر تلقی می‌شود. به این ترتیب می‌توان درصد افراد فقیر را شناسایی نمود. در این تحقیق درصد به دست آمده به عنوان شاخص فقر مورد استفاده قرار گرفته است.

گرچه در ادبیات توزیع درآمد و فقر به طور معمول و متعارف همواره از لفظ توزیع درآمد و فقر درآمدی استفاده می‌شود ولیکن در عمل (بخصوص در کشورهای مانند کشور ما که اطلاعات آماری مربوط به هزینه خانوار دارای دقتی بیشتر از آمارهای مربوط به درآمد آن است)، غالباً از هزینه (به عنوان تقریبی قابل قبول از درآمد) خانوار به جای درآمد خانوار استفاده می‌شود. در تبدیل دلار به ریال از نرخ بازار غیررسمی دلار منتشر شده در سایت بانک مرکزی استفاده شده و اطلاعات متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری هر دهک هزینه‌ای هم از سایت مرکز آمار استخراج گردیده است.

۳-۲. روش برآورد مدل

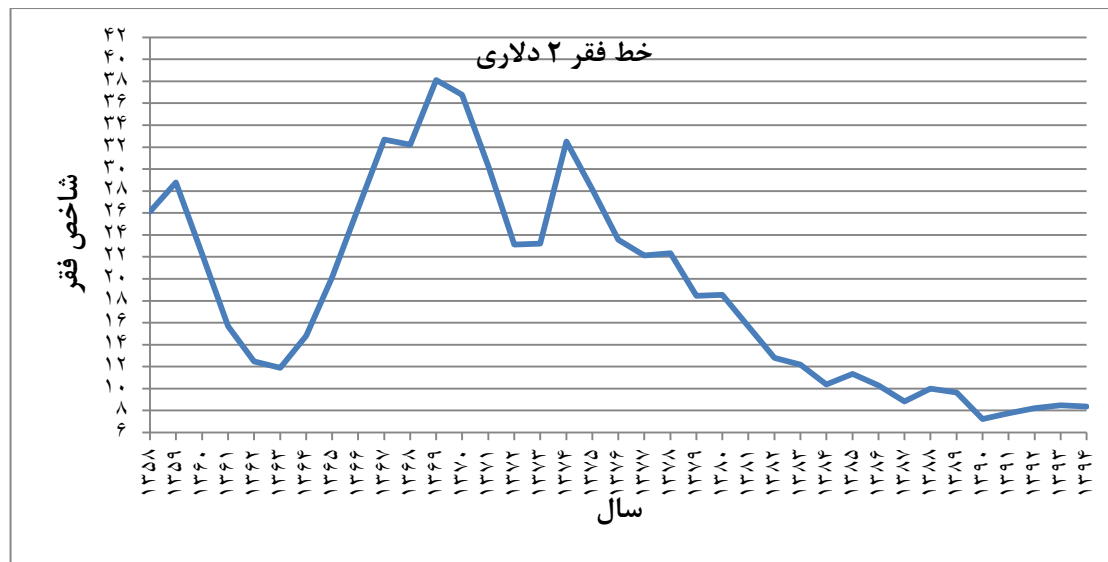
در این پژوهش به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت اثرات کوتاه مدت و بلند مدت درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۵۸ با استفاده از روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده $ARDL$ پرداخته شده است و تمامی متغیرها به صورت لگاریتم طبیعی استفاده گردیده‌اند. نرم‌افزارهای مورد استفاده برای برآورد مدل‌ها $Eviews7$ و $Microfit4$ می‌باشند.

از آنجایی که انتخاب روش‌های اقتصادسنجی کارآمد و متناسب با ویژگی‌های داده‌های آماری در دستیابی به نتایج سازگار و قابل اعتماد از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا در انجام تمام مراحل این تحقیق سعی شده از روش‌ها و معیارهای اقتصادسنجی که مناسب با شرایط و ویژگی‌های جامعه آماری مورد مطالعه که داده‌های سالانه با حجم محدود می‌باشند استفاده گردد.

برای برآورد ضرایب بلندمدت دقیق‌تر و بدون تورش می‌توان از روش آزمون کرانه‌ها به هم جمعی که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه گردیده، استفاده کرد. با استفاده از آزمون کرانه‌ها می‌توان محدودیت‌های موجود در سایر روش‌های بکار رفته در مطالعات قبلی را رفع کرد. روش‌های هم جمعی مانند انگل گرنجر و یوهانسن برای نمونه‌های با حجم کم مناسب نیستند، اما رهیافت آزمون کرانه‌ها برای نمونه‌هایی با حجم کم نیز بسیار مناسب

جدول (۲): شاخص فقر: درصد افراد زیر خط فقر بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۹۴
(محاسبه شده بر مبنای هر دلار نرخ بازار غیر رسمی با ریال در سال ۱۳۵۶۸=۱۳۹۰)

سال	شاخص فقر	سال	شاخص فقر	سال	شاخص فقر	سال	شاخص فقر
۱۳۵۸	۱۰.۰۱	۱۳۷۸	۳۲.۲۱	۱۳۹۸	۲۰.۱۶	۱۳۵۹	۲۸.۳۸
۱۳۵۹	۹.۶۶	۱۳۷۹	۳۸.۱	۱۳۹۹	۲۶.۴۲	۱۳۶۰	۲۴.۲۶
۱۳۶۰	۷.۲۳	۱۳۸۰	۳۶.۷۶	۱۴۰۰	۲۲.۱۲	۱۳۶۱	۱۶.۱۴
۱۳۶۱	۷.۷۵	۱۳۸۱	۳۰.۲۶	۱۴۰۱	۲۰.۱۸	۱۳۶۲	۱۲.۱۰
۱۳۶۲	۸.۲۳	۱۳۸۲	۲۳.۱۳	۱۴۰۲	۲۰.۱۸	۱۳۶۳	۱۰.۰۸
۱۳۶۳	۸.۴۸	۱۳۸۳	۲۳.۲	۱۴۰۳	۲۰.۱۸	۱۳۶۴	۱۰.۰۸
۱۳۶۴	۸.۳۸	۱۳۸۴	۳۲.۵۲	۱۴۰۴	۲۰.۱۸	۱۳۶۵	۱۰.۰۸
۱۳۶۵		۱۳۸۵	۲۸.۱۲	۱۴۰۵	۲۰.۱۸	۱۳۶۶	۱۰.۰۸
۱۳۶۶		۱۳۸۶	۲۳.۵۵	۱۴۰۶	۲۰.۱۸	۱۳۶۷	۱۰.۰۸
۱۳۶۷		۱۳۸۷	۲۲.۱۲	۱۴۰۷	۲۰.۱۸	۱۳۶۸	۱۰.۰۸
۱۳۶۸		۱۳۸۸	۲۲.۱۲	۱۴۰۸	۲۰.۱۸	۱۳۶۹	۱۰.۰۸
۱۳۶۹		۱۳۸۹	۲۲.۱۲	۱۴۰۹	۲۰.۱۸	۱۳۷۰	۱۰.۰۸
۱۳۷۰		۱۳۹۰	۲۲.۱۲	۱۴۱۰	۲۰.۱۸	۱۳۷۱	۱۰.۰۸
۱۳۷۱		۱۳۹۱	۲۲.۱۲	۱۴۱۱	۲۰.۱۸	۱۳۷۲	۱۰.۰۸
۱۳۷۲		۱۳۹۲	۲۲.۱۲	۱۴۱۲	۲۰.۱۸	۱۳۷۳	۱۰.۰۸
۱۳۷۳		۱۳۹۳	۲۲.۱۲	۱۴۱۳	۲۰.۱۸	۱۳۷۴	۱۰.۰۸
۱۳۷۴		۱۳۹۴	۲۲.۱۲	۱۴۱۴	۲۰.۱۸	۱۳۷۵	۱۰.۰۸
۱۳۷۵		۱۳۹۵	۲۲.۱۲	۱۴۱۵	۲۰.۱۸	۱۳۷۶	۱۰.۰۸
۱۳۷۶		۱۳۹۶	۲۲.۱۲	۱۴۱۶	۲۰.۱۸	۱۳۷۷	۱۰.۰۸
۱۳۷۷		۱۳۹۷	۲۲.۱۲	۱۴۱۷	۲۰.۱۸	۱۳۷۸	۱۰.۰۸
۱۳۷۸		۱۳۹۸	۲۲.۱۲	۱۴۱۸	۲۰.۱۸	۱۳۷۹	۱۰.۰۸
۱۳۷۹		۱۳۹۹	۲۲.۱۲	۱۴۱۹	۲۰.۱۸	۱۳۸۰	۱۰.۰۸
۱۳۸۰		۱۴۰۰	۲۲.۱۲	۱۴۲۰	۲۰.۱۸	۱۳۸۱	۱۰.۰۸
۱۳۸۱		۱۴۰۱	۲۲.۱۲	۱۴۲۱	۲۰.۱۸	۱۳۸۲	۱۰.۰۸
۱۳۸۲		۱۴۰۲	۲۲.۱۲	۱۴۲۲	۲۰.۱۸	۱۳۸۳	۱۰.۰۸
۱۳۸۳		۱۴۰۳	۲۲.۱۲	۱۴۲۳	۲۰.۱۸	۱۳۸۴	۱۰.۰۸
۱۳۸۴		۱۴۰۴	۲۲.۱۲	۱۴۲۴	۲۰.۱۸	۱۳۸۵	۱۰.۰۸
۱۳۸۵		۱۴۰۵	۲۲.۱۲	۱۴۲۵	۲۰.۱۸	۱۳۸۶	۱۰.۰۸
۱۳۸۶		۱۴۰۶	۲۲.۱۲	۱۴۲۶	۲۰.۱۸	۱۳۸۷	۱۰.۰۸
۱۳۸۷		۱۴۰۷	۲۲.۱۲	۱۴۲۷	۲۰.۱۸	۱۳۸۸	۱۰.۰۸
۱۳۸۸		۱۴۰۸	۲۲.۱۲	۱۴۲۸	۲۰.۱۸	۱۳۸۹	۱۰.۰۸
۱۳۸۹		۱۴۰۹	۲۲.۱۲	۱۴۲۹	۲۰.۱۸	۱۳۹۰	۱۰.۰۸
۱۳۹۰		۱۴۱۰	۲۲.۱۲	۱۴۳۰	۲۰.۱۸	۱۳۹۱	۱۰.۰۸
۱۳۹۱		۱۴۱۱	۲۲.۱۲	۱۴۳۱	۲۰.۱۸	۱۳۹۲	۱۰.۰۸
۱۳۹۲		۱۴۱۲	۲۲.۱۲	۱۴۳۲	۲۰.۱۸	۱۳۹۳	۱۰.۰۸
۱۳۹۳		۱۴۱۳	۲۲.۱۲	۱۴۳۳	۲۰.۱۸	۱۳۹۴	۱۰.۰۸
۱۳۹۴		۱۴۱۴	۲۲.۱۲	۱۴۳۴	۲۰.۱۸	۱۳۹۵	۱۰.۰۸



نمودار ۱: درصد افراد زیر خط فقر در مناطق شهری ایران در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۹۴

عصیان‌های شبه شورشی در مناطق متعدد کشور همچون اعتراضات در شهرهای قزوین، مشهد، اراک، مبارکه، چهاردانه تهران و... و ماجرای تلخ اسلامشهر دولت سازندگی را در لاک امنیتی شدیدی فرو برد. یافته‌های این پژوهش به‌خصوص در فاصله ۱۳۷۴-۱۳۷۱ به‌وضوح ارتباط بین افزایش فقر با حوادث اتفاق افتاده در آن سال‌ها که امنیت اجتماعی را با تهدید جدی مواجه نمود نمایان می‌کند. افراد شرکت‌کننده در ناآرامی اسلامشهر در سال ۱۳۷۴، اقدام به تخریب اماکن دولتی نموده و به‌نوعی حرکتی شورشی گونه محدود در سه روز متوالی کنش‌های خود را بروز می‌دادند. مصاحبه حین کنش‌های اعتراضی از متهمین دستگیرشده شکاف درآمدی، نوع زندگی و عدم

جدول (۲) و همچنین نمودار ۱ که نشان دهنده میزان فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران است حاکی از کاهش چشمگیر این شاخص در سال‌های متمادی است که احتمالاً نشان از موفق بودن برنامه‌هایی مانند تامین اجتماعی یا نظام خیریه و صدقه مانند کمیته امداد در ایران می باشد. در نمودار ۱ مشهود است که میزان فقر از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۹ با افزایش مواجه بوده و نشان از شرایط دشوار زندگی در این مناطق دارد و می تواند یکی از دلایل پذیرش قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی باشد. همچنان که این نمودار نشان می دهد اوج گیری دوباره این میزان تا سال ۱۳۷۴ باعث بروز پدیده‌های کم‌سابقه از واکنش‌های دسته‌جمعی و روندهای فزاینده ناهنجاری‌های اجتماعی و

می‌کند. با توجه به این‌که همه متغیرها در مرتبه یکسانی ایستا نیستند برای برآورد مدل از الگوی خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده خواهیم نمود؛ زیرا در این الگو توجه به درجه همبستگی متغیرها مهم نیست و همچنین با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان مدل مناسب را بدون پیش‌داوری و استفاده از نظریه‌های اقتصادی انتخاب کرد. بر اساس ضابطه شوارتز-بیزین حداکثر وقفه بهینه مدل انتخاب می‌شود. علت استفاده از این ضابطه این است که این معیار در تعیین وقفه‌ها صرفه‌جویی می‌کند و در نتیجه از درجه آزادی بیشتری برخوردار است، به همین دلیل برای نمونه‌های کوچک هم بسیار مناسب می‌باشد. در تخمین مدل با الگوی ARDL ابتدا مدل بلندمدت آن ارائه می‌شود. قبل از پرداختن به نتایج، لازم به توضیح است که شرط گرایش الگوی پویای برآورد شده در روش خود بازگشتی با وقفه‌های توزیعی به سمت تعادل بلندمدت، این است که وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحت بررسی اثبات شود؛ اما همان‌طور که مشخص شد به دلیل این‌که همه متغیرها هم جمع (ایستا) از یک درجه نیستند لذا به منظور بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها از روش انگل گرنجر و یوهانسن و یوسیلیوس نمی‌توان استفاده کرد زیرا شرط استفاده از این روش‌ها هم جمع بودن متغیرها از یک درجه می‌باشد؛ بنابراین در این تحقیق برای بررسی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای تحقیق از آزمون کرانه‌ها به هم جمعی یا همان باند تست (آزمون والد) که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه گردیده استفاده خواهیم کرد.

دو گروه از مقادیر بحرانی با توجه به تعداد متغیرها جهت انجام آزمون کرانه‌ها توسط نارایان (۲۰۰۵) و پسران و همکاران (۲۰۰۱) برای آزمون F فراهم گردیده است. یکی بر این اساس است که تمامی متغیرها پایا هستند و دیگری

بهره‌گیری از مواهب شهرنشینی انگیزه اصلی از شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان اهداف مشخصی را دنبال نموده و هدف آن‌ها کنش پیرامون خواست عمومی با خاستگاه تغییرات اقتصادی، ایجاد شغل و زندگی بهتر شکل یافته بود (ریبیعی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). کاهش اولیه میزان فقر در سال‌های ۸۹ و ۹۰ را نیز می‌توان با شروع توزیع یارانه در این سال‌ها توجیه نمود.

۲-۴. تجزیه و تحلیل و ساختار الگو

۴-۲-۱. آزمون ریشه واحد

لگاریتمی نوشتن متغیرها علاوه بر این‌که در برخی موارد می‌تواند متغیرهای ناپایا را تبدیل به پایا کند، مشکل متفاوت بودن واحدهای متغیرها را مرتفع می‌نماید. همچنین ضرایب در این حالت درصد تغییرات متغیرهای وابسته را به ازای تغییر یک درصدی هر یک از متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد.

ابتدا برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب، پایایی و ناپایایی متغیرهای مورد استفاده در مدل با آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیپس پرون (PP) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته و فیلیپس پرون برای متغیرها که با استفاده از نرم افزار Eviews7 انجام شده است در جدول (۳) آمده است.

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که برای لگاریتم متغیرهای: شاخص فقر و سرانه تولید ناخالص داخلی بدون نفت، قدر مطلق آماره ADF محاسبه شده در سطح، از قدر مطلق مقادیر بحرانی مکینون کوچک‌تر است، لذا ناپایا یعنی $I(1)$ هستند که با یک بار تفاضل گیری پایا می‌شوند ولی لگاریتم متغیرهای سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، درآمدهای نفتی و نرخ تورم، $I(0)$ می‌باشد. البته نتایج آزمون فیلیپس پرون نیز همین نتیجه را تأیید

جدول (۳): نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیپس پرون

متغیر	در سطح		تفاضل مرتبه اول	
	آماره محاسباتی	آماره بحرانی	آماره محاسباتی	آماره بحرانی
	PP	ADF	PP	ADF
lnPOV	-0.952 (1)	-2.945842	-4.148 (1)	-4.075 (0)
lnYNP	-0.224(2)	-2.951125	-3.522(4)	-3.357 (1)
lnSHARE	-3.491(10)	-2.945842		
lnOR	-4.018(3)	-2.945842		
lnINFLAT	-3.399(12)	-2.948404		

توجه: ADF آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته و PP آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون می‌باشد. اعداد داخل پرانتز در آزمون ADF، تعداد وقفه‌ها می‌باشند که با معیار شوارتز تعیین می‌شوند. در آزمون PP اعداد داخل پرانتز توسط بارتلت-کرنر تعیین شده است. پایایی و ناپایایی تمام متغیرها در سطح ۵٪ محاسبه شده است.

گرفتیم که نرم‌افزار میکروفیت با استفاده از معیار شوارتز بیزین میزان وقفه‌ی بهینه را به صورت $ARDL(3,5,5,5,4)$ محاسبه کرده است و نتایج ضرایب کوتاه‌مدت آن در جدول (۴) ارائه شده است.

ملاحظه می‌شود که بر اساس معیار SBC، تعداد وقفه‌ی بهینه‌ی انتخاب‌شده توسط نرم‌افزار برای متغیر وابسته میزان فقر در جامعه شهری سه وقفه و برای متغیرهای توضیحی سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین و درآمدهای نفتی، پنج وقفه و برای متغیر نرخ تورم چهار وقفه بوده است.

ضرایب نشان می‌دهد که وقفه‌های دوم و سوم و پنجم سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت، اول، دوم و پنجم متغیر سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به‌عنوان نماینده‌ای از توزیع درآمد، دوم و سوم درآمدهای نفتی، سوم نرخ تورم تأثیر منفی و معنی‌داری بر

بر این اساس است که همگی ناپایا (با یک‌بار تفاضل گیری پایا شده) هستند. اگر F محاسباتی در خارج از این مرز قرار گیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن این که متغیر I(0) یا I(1) باشند، گرفته می‌شود. اگر F محاسباتی فراتر از کرانه بالایی قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می‌شود و اگر پایین‌تر از کرانه پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور پذیرفته می‌شود (بهتر است برای نمونه‌هایی با حجم بین ۳۸ تا ۸۰ آماره F محاسبه‌شده با مقادیر نارایان مقایسه بشود).

۲-۴-۲. بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران (نتایج حاصل از $ARDL$ کوتاه‌مدت)

با استفاده از نرم‌افزار میکروفیت و روش $ARDL$ و با در نظر گرفتن حداکثر ۵ وقفه در مدل، نتایجی حاصل شده است که به تفکیک ارائه می‌شود. در تخمین مدل با متغیر وابسته میزان فقر، میزان وقفه‌های موردنظر را ۵ در نظر

جدول (۴): الگوی پویای کوتاه‌مدت (تعیین تعداد وقفه بهینه) برای متغیر وابسته LNPOV با استفاده از $ARDL(3,5,5,5,4)$ بر مبنای معیار SBC

متغیرهای توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره t (احتمال)
LNPOV(-1)	-1.14889	.17893	-83209[.443]
LNPOV(-2)	-2.22820	.14136	-1.6144[.167]
LNPOV(-3)	1.1139	.099118	11.2380[.000]
LNPNP	1.8557	.80333	2.3100[.069]
LNPNP(-1)	-2.0656	1.1165	-1.8501[.124]
LNPNP(-2)	-1.6977	.59810	-2.8385[.036]
LNPNP(-3)	-1.9193	.63688	-3.0136[.030]
LNPNP(-4)	-.67283	.33313	-2.0197[.099]
LNPNP(-5)	3.8089	.46297	8.2271[.000]
LNSHARE	-.011651	.15391	-.075702[.943]
LNSHARE(-1)	-1.5554	.21355	-7.2835[.001]
LNSHARE(-2)	-.86085	.25386	-3.3911[.019]
LNSHARE(-3)	1.5459	.39407	3.9228[.011]
LNSHARE(-4)	1.9077	.16249	11.7399[.000]
LNSHARE(-5)	-.70914	.14340	-4.9453[.004]
LNOR	.027860	.014960	1.8623[.122]
LNOR(-1)	.083874	.021705	3.8643[.012]
LNOR(-2)	-.075975	.020389	-3.7263[.014]
LNOR(-3)	-.053865	.012232	-4.4036[.007]
LNOR(-4)	.18134	.030676	5.9114[.002]
LNOR(-5)	.21190	.036002	5.8858[.002]
LNINFLAT	.38895	.066864	5.8170[.002]
LNINFLAT(-1)	.28377	.038321	7.4050[.001]
LNINFLAT(-2)	.20817	.064085	3.2484[.023]
LNINFLAT(-3)	-.42631	.097492	-4.3727[.007]
LNINFLAT(-4)	-.096985	.048477	-2.0007[.102]
D	-.29279	.044985	-6.5086[.001]
$R^2 = .99945$		$F = 346.7549[.000]$	
همبستگی سریالی	CHSQ(1)=2.2330[.135]	F(1,4)=.30007[.613]	
شکل تابعی تابع	CHSQ(1)=.0087468[.925]	F(1,4)=.0010937[.975]	
نرمالیتی	CHSQ(2)= 1.3245[.516]		
ناهمسانی واریانس	CHSQ(1)= 2.5814[.108]	F(1, 30)= 2.6324[.115]	

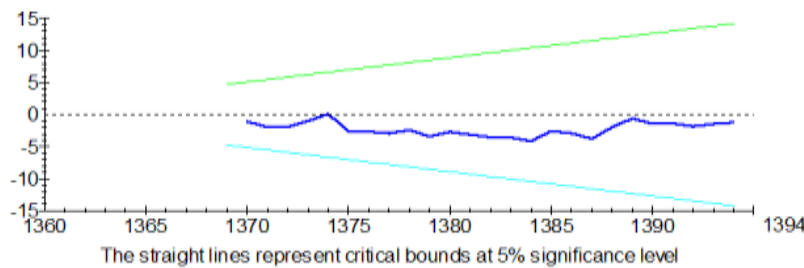
همبستگی سریالی، شکل تبعی درست تابع، توزیع نرمال جملات پسماند و همسانی واریانسها توسط مدل تخمین زده شده نقض نمی‌شود. همچنین آزمون‌های مجموع فزاینده پسماندها (CUSUM) و مجموع مربعات فزاینده پسماندها (CUSUMSQ) نشان از پایداری ضرایب برآوردی دارد چرا که مقدار آماره آزمون از محدوده دو مقدار بحرانی خارج نشده و نمودار محاسبه شده در فاصله بین دو بازه اطمینان رسم شده حرکت می‌کند (نمودارهای ۲ و ۳).

۳-۴-۲. بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران (نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل) قبل از برآورد مدل، برای بررسی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای تحقیق از آزمون کرانه‌ها به هم جمعی یا همان باند تست (آزمون والد) که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه گردیده استفاده می‌کنیم.

روی میزان فقر در جامعه شهری دارند. همچنین وقفه سوم متغیر وابسته میزان فقر در جامعه شهری، وقفه پنجم سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت، وقفه‌های سوم و چهارم متغیر سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به‌عنوان نماینده‌ای از توزیع درآمد، وقفه‌های اول، چهارم و پنجم درآمدهای نفتی، وقفه‌های اول و دوم نرخ تورم تأثیر مثبت و معنی داری بر روی میزان فقر در جامعه شهری دارند.

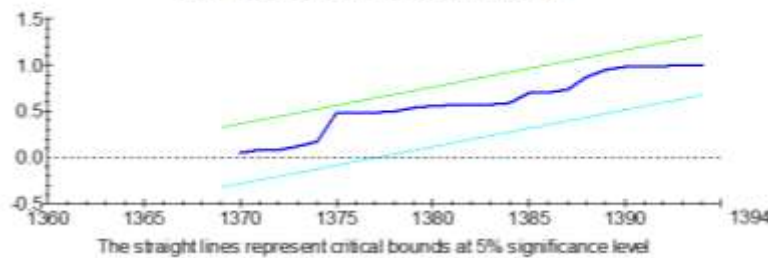
همچنین، R^2 نشان می‌دهد که بیش از ۹۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. اعداد داخل پرانتز مربوط به آزمون‌های همبستگی سریالی، شکل تبعی تابع، نرمالیتی و ناهمسانی واریانس نشان می‌دهد که همه‌ی این ارقام بزرگ‌تر از سطح ۰،۰۵ هستند؛ بنابراین، فرضیه‌ی صفر قابل قبول و فرضیه‌ی مقابل رد می‌شود؛ بنابراین، هیچ‌یک از فروض کلاسیک عدم

Plot of Cumulative Sum of Recursive Residuals



نمودار ۲: آزمون مجموع فزاینده پسماندها (CUSUM)

Plot of Cumulative Sum of Squares of Recursive Residuals



نمودار ۳: آزمون مجموع مربعات فزاینده پسماندها (CUSUMSQ)

جدول (۶): نتایج آزمون کرانه‌های همجمع (آزمون F) برای وجود رابطه بلندمدت (متغیر وابسته lnPOV)

مقادیر بحرانی پسران در سطح 95 درصد		مقادیر بحرانی نارایان در سطح 95 درصد		آماره F محاسبه شده در حالت 5 رگر سور
I(0)	I(1)	I(0)	I(1)	
1.8557	4.5600	2.14	3.34	4.7162

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول (۶): نتیجه تخمین ضرایب بلندمدت برای متغیر وابسته LNPOV با استفاده از ARDL(3,5,5,5,4) بر مبنای معیار SBC

متغیرهای توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره t (احتمال)
LNYPN	-2.6249	.79230	-3.3130[.021]
LNSHARE	1.2025	.78760	1.5268[.187]
LNOR	1.4253	.45109	3.1597[.025]
LNINFLAT	1.3587	.11842	11.4735[.000]
D	-1.1124	.27207	-4.0888[.009]

میزان افزایش فقر مثبت می‌باشد. افزایش ۱ درصدی متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت باعث کاهش ۲/۶۲۴۹ درصدی در میزان فقر خانوارهای شهری می‌گردد. افزایش ۱ درصدی سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به‌عنوان نماینده‌ای از توزیع درآمد هم افزایش ۱/۲۰۲۵ درصدی در میزان فقر خانوارهای شهری را به دنبال دارد. یکی از نتایج جالب‌توجه مدل برآورد شده، علاوه بر نمایش تأثیر منفی متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت و مثبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به‌عنوان نماینده‌ای از توزیع درآمد بر میزان فقر، می‌تواند حاکی از درستی شکل تابع فقر تصریح شده باشد که از تعریف ارائه‌شده عظیمی از فقر اقتصادی اتخاذ شده است. همچنین افزایش یک درصد در نرخ تورم، افزایش ۱/۳۵۷۸ درصدی فقر را به دنبال داشته است. پرداخت یارانه از سال ۱۳۹۰ به بعد نیز میزان فقر را به میزان ۱/۱۱۲۴ درصد کاهش داده است.

۴-۲. نتایج آزمون مدل تصحیح خطا (ECM)

الگوهای تصحیح خطا در کارهای تجربی از شهرت فزاینده‌ای برخوردارند و عمده‌ترین دلیل این است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهند. از نتایج آزمون مدل تصحیح خطا ملاحظه می‌گردد که ضریب تصحیح خطای مدل -۰.۲۶۳۲۰ بوده و از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و حاکی از این است که هر عدم تعادلی در بلندمدت (حدود چهار سال) به سمت تعادل حرکت می‌کند.

با توجه به حجم نمونه (۳۷ سال) که کمتر از ۳۸ می‌باشد و به دلیل این‌که آماره F آزمون متغیر lnPOV بزرگ‌تر از مقدار بحرانی کرانه بالای پسران است می‌توان بدون توجه به درجه همجمعی متغیرها، فرض صفر مبنی بر عدم وجود ارتباط بلندمدت را رد نمود. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها و عدم وجود رگرسیون کاذب با استفاده از مدل بدون عرض از مبدأ و روند به برآورد مدل می‌پردازیم.

(۴)

$$\ln POV_t = -2.6249 * \ln YPN_t + 1.2025 * \ln SHARE_t + 1.3587 * \ln INFLAT_t + 1.4253 * \ln OR_t + -1.1124 * D$$

نتایج تخمین مدل بلندمدت با استفاده از متغیر lnPOV در جدول (۶) ذکر شده است.

در بلندمدت تمامی ضرایب به جز ضریب سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دارند. این ضریب هم در سطح اطمینان ۸۸ درصد معنی‌دار است. از آنجاکه مدل به‌صورت لگاریتمی تصریح شده است، ضرایب به‌دست‌آمده کشش‌های بلندمدت فقر را نسبت به هر یک از عوامل تأثیرگذار بر آن نشان می‌دهد. از این‌رو، هر یک درصد افزایش (کاهش) در درآمدهای نفتی LNOR باعث افزایش (کاهش) ۱.۴۲۵۳ درصدی در میزان فقر خانوارهای شهری lnPOV (درصد افراد زیر خط فقر مطلق ۲ دلاری) می‌شود. این نتیجه مطابق با نظریات اقتصادی ارائه‌شده راجع به رابطه درآمدهای نفتی و فقر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این ارتباط مثبت را می‌توان به این شکل توجیه کرد که هرچند در طی سال‌های متفاوت میزان درآمدهای حاصله از صادرات نفت افزایش یافته و هم‌زمان میزان فقر در این سال‌ها به‌طور مداوم کاهش یافته ولی تأثیر خالص افزایش درآمدهای نفتی بر

جدول (۷): نتایج الگوی تصحیح خطای ECM برای متغیر وابسته
dLNPOV با استفاده از ARDL(3,5,5,4) بر مبنای معیار SBC

متغیرهای توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره t (احتمال)
dLNPOV1	-0.88569	.15229	-5.8158[.000]
dLNPOV2	-1.1139	.099118	-11.2380[.000]
dLNYNP	1.8557	.80333	2.3100[.046]
dLNYNP1	.48098	.38005	1.2656[.237]
dLNYNP2	-1.2167	.31327	-3.8840[.004]
dLNYNP3	-3.1360	.44222	-7.0915[.000]
dLNYNP4	-3.8089	.46297	-8.2271[.000]
dLNSHARE	-0.011651	.15391	-0.075702[.941]
dLNSHARE1	-1.8835	.36482	-5.1628[.001]
dLNSHARE2	-2.7444	.52243	-5.2531[.001]
dLNSHARE3	-1.1985	.20039	-5.9811[.000]
dLNSHARE4	.70914	.14340	4.9453[.001]
dLNOR	.027860	.014960	1.8623[.095]
dLNOR1	-0.26340	.058873	-4.4741[.002]
dLNOR2	-0.33938	.070823	-4.7919[.001]
dLNOR3	-0.39324	.065784	-5.9778[.000]
dLNOR4	-0.21190	.036002	-5.8858[.000]
dLNINFLAT	.38895	.066864	5.8170[.000]
dLNINFLAT1	.31512	.081599	3.8618[.004]
dLNINFLAT2	.52329	.089444	5.8505[.000]
dLNINFLAT3	.096985	.048477	2.0007[.076]
dD	-0.29279	.044985	-6.5086[.000]
Ecm(-1)	-0.26320	.061893	-4.2525[.002]
$R^2 = .99440$		$F = 40.3866[.000]$	

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق به صورت نظری و تجربی تاثیر درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. وجود منابع طبیعی به عنوان یکی از مهم ترین منابع ثروت ملی در جهان این تصور را ایجاد می کند که درآمدهای فراوان حاصل از آن باید برای یک کشور ایجاد ثروت کرده و پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را به دنبال داشته باشد و بنابراین عاملی مهم در تسریع سرمایه گذاری و به دنبال آن رشد اقتصادی باشند چراکه سرمایه طبیعی امکانات تولید یک اقتصاد را گسترش می دهد. روشن است که وجود منابع طبیعی ذاتاً محل توسعه اقتصادی نبوده، ولی اغلب موجب تحریف و یا گرایش های خاصی در نتیجه "مکانیسم های انتقال" در اقتصاد گردیده و در نتیجه باعث تضعیف عملکرد اقتصادی و کاهش رشد اقتصادی گردیده است. مکانیسم ها و کانال هایی که درآمدهای نفتی به صورت غیرمستقیم موجب بروز برخی انحرافات در عملکرد اقتصادهای متکی بر منابع شده و در نتیجه رشد اقتصادی آنها را به شکل منفی متأثر کرده است، عبارتند از:

بیماری هلندی و بهره‌وری پائین، ناطمینانی، شکل‌گیری رانت جویی، بدتر شدن توزیع درآمد، تحریف سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، دولتی شدن اقتصاد: افزایش مداخلات دولت، بر هم خوردن توازن میان تولید ملی و مصرف ملی، تضعیف نهاد آزادی‌های سیاسی و

دموکراسی و نهاد قانون و اعتماد اجتماعی و پیوندهای پیشین و پسین پائین.

با کاهش رشد و بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد، فقر در جامعه تشدید شده و این افزایش با تضعیف سرمایه‌گذاری و سرمایه انسانی (آموزش و پرورش و بهداشت و درمان) و کاهش نوآوری و تحرک اجتماعی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، اثر منفی مضاعفی بر رشد می گذارد.

یافته اولیه این تحقیق در رابطه با شاخص فقر اقتصادی مناطق شهری در ایران (نمودار ۱) نشان می دهد که میزان فقر اقتصادی در این مناطق در سال های متمادی کاهش چشمگیری داشته است که احتمالاً نشان از موفق بودن برنامه‌هایی مانند تامین اجتماعی یا نظام خیریه و صدقه مانند کمیته امداد در ایران باشد ولی یافته اصلی این تحقیق نشان می دهد که هر یک درصد افزایش (کاهش) در درآمدهای نفتی، باعث افزایش (کاهش) ۱.۴۳ درصدی در میزان فقر خانوارهای شهری می‌شود. این یافته با شواهد تجربی فراوانی در کشورهای در حال توسعه در طی چهل سال اخیر مبنی بر همبستگی منفی بین رشد اقتصادی و منابع طبیعی مطابقت دارد.

یافته دیگر این تحقیق که نشان از تأثیر منفی متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت و مثبت توزیع درآمد بر میزان فقر دارد نظر دکتر عظیمی را در خصوص وضعیت فقر در کشورهای جهان سوم تأیید می کند:

ما در ایران چون از نظر اقتصادی توسعه نیافته هستیم، درگیر همان ابعادی از فقر می‌باشیم که همه دنیای توسعه نیافته درگیر آن می‌باشند. ما و همه کشورهای توسعه نیافته در وضعیتی هستیم که از یک طرف بازدهی سرانه شاغلین اقتصادی بسیار نازل است و از طرف دیگر الگوی توزیع درآمد هم بصورتی چشمگیر دچار عدم تعادل می‌باشد و لذا تلفیق این دو وضعیت، اجباراً فقری گسترده و قابل توجه را به جامعه ما و به همه کشورهای توسعه نیافته تحمیل می‌کنند. با توجه به این که پرداخت یارانه میزان فقر را کاهش داده است پرداخت هدفمند آن به اقشار کم درآمد می‌تواند نابرابری را نیز کاهش دهد. کنترل نرخ تورم هم تأثیر مثبت خود را بر کاهش میزان فقر خواهد گذاشت. تأثیرات همزمان مثبت متغیر درآمدهای نفتی و منفی متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت بر میزان فقر لزوم مدیریت صحیح درآمدهای نفتی را نشان می‌دهد. لذا توصیه می‌گردد بخشی از این درآمدها جهت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی ظرفیت‌های تولید داخل در جهت افزایش تولیدات ناخالص داخلی اختصاص یابد. همچنین کاهش صادرات خام منابع نفتی و بکارگیری آن‌ها در راستای تولید کالاها و محصولات فرآوری شده می‌تواند ضمن ایجاد ارزش‌افزوده و کسب درآمد بالاتر، به افزایش اشتغال و رفاه و کاهش فقر منجر شود.

اطلاعات مربوط به مخارج هزینه‌ای گروه‌ها و یا دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری برای سال‌های پس از انقلاب در دسترس است. ولی اطلاعات هزینه‌ای خانوارهای روستایی حداکثر برای ۲۰ سال اخیر در مراکز آماری موجود می‌باشد، لذا اندازه‌گیری شاخص فقر برای کل خانوارهای کشور اعم از شهری و روستایی در این سال‌ها می‌تواند مورد بررسی جداگانه قرار گیرد. همچنین اندازه‌گیری میزان فقر در کشور برای سال‌های اخیر با شاخص‌های دیگری همچون شاخص سن و شاخص SST قابل مطالعه است. تأثیر درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مناطق روستایی هم می‌تواند موضوع مورد تحقیق دیگری باشد.

منابع

ابراهیمی، محسن، سالاریان، محمد (۱۳۸۸). بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۰۰-۷۷

باقری، فریده، کاوند، حسین (۱۳۸۵). اندازه‌گیری شدت فقر در ایران: کاربرد شاخص SST. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۹۱-۱۸۱
براتی، محمدعلی (۱۳۹۰). رویکردی نوین در محاسبه فقر. موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول
بهبودی، داود، اصغریور، حسین، ممی پور، سیاب (۱۳۸۸). فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴۰، صص ۱۴۷-۱۲۵
بیانات مقام معظم رهبری از سایت: <http://farsi.khamenei.ir>
پیران، پرویز (۱۳۷۵). نگاهی به مفهوم فقر و فقرزدایی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره یازدهم و دوازدهم. مرداد و شهریورماه ۱۳۷۵. تهران
جرجزاده، علی‌رضا؛ اقبالی، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۲۲۶-۲۰۷
حسن تاش، سیدغلامحسین (۱۳۸۸). از بلای سیاه تا نفرین منابع. اقتصاد انرژی، شماره ۱۲۴
خدادادکاشی، فرهاد، حیدری، خلیل، باقری، فریده (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم شماره ۱۷، صص ۱۶۳-۱۳۷
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران، چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، جلد ۱۱، ص ۱۷۱۵۰
ربیعی، علی (۱۳۸۹). شکاف درآمدی، دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران. فصلنامه راهبرد، سال ۱۹، ش ۵۷، صص ۱۸۰-۱۵۵
رحمانی، تیمور، گلستانی، ماندانا (۱۳۸۸). تحلیلی از نفرین منابع طبیعی و رانت جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفت‌خیز. تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، شماره ۱، صص ۸۶-۵۷
رییس دانا، فریبرز (۱۳۸۴). اندازه‌گیری شاخص و پویای فقر در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۸۹-۵۷
سامتی، مرتضی، خانزادی، آزاد، یزدانی، مهدی (۱۳۸۸). اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: مطالعه‌ی موردی کشور ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، سال ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۳)، صص ۷۲-۵۱

- نظری، محسن، مبارک، اصغر (۱۳۸۹). وفور منابع طبیعی، بیماری هلندی و رشد اقتصادی در کشورهای نفتی. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۴۷-۶۸
- هانری، پل مارک (۱۳۷۴). فقر، پیشرفت و توسعه. ترجمه مسعود محمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یاوری، کاظم، سلمانی، بهزاد (۱۳۸۴). رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی: مورد کشورهای صادرکننده نفت. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۷
- Böhme, Marcus; Breisinger, Clemens; Schweickert, Rainer; Wiebelt, Manfred (2010). Oil revenues for public investment in Africa: targeting urban or rural areas?. Kiel Working Paper No. 1623.
- Gylfason, Thorvaldur, and Gylfi Zoega (2001). Natural Resources and Economic Growth: The Role of Investment. CEPR Discussion Paper No. 2743, March.
- Mallay D., Yogo T.U., Timba G.T. (2015). Oil Rent and Income Inequality in Developing Economies: Are They Friends or Foes?. Etudes et Documents, n° 02, CERDI. http://cerdi.org/production/show/id/1644/type_production_id/1
- Morduch, J. (1998). Poverty, Economic growth and average exit time. *Economics Letters* 59 (3), 385-390
- Moradi, Mohammad Ali (2009). Oil Resource Abundance, Economic Growth and Income Distribution in Iran. www.ecomod.org, Paper No.990.
- Narayan, P. K. (2005a). The relationship between saving and investment for Japan. *Japan and the World Economy*, 17, 293-309.
- Pahlavani, M., Wilson, E., & Worthington, A. C. (2005). Trade-GDP nexus in Iran: An Application of the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) Model. Faculty of Commerce Papers, University of Wollongong, Australia. <http://www.scipub.us/> and <http://ro.uow.edu.au/Commpapers/144> Accessed 05.09.06.
- Pesaran, M. H. Shin, Y. and Smith, R. J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of Applied Econometrics*, 16, 289-326.
- Sarraf, M. & M. Jiwani. (2001). Beating the resource curse: The case of Botswana. Environmental Economic Series, Paper No. 83, The World Bank.
- (2005). INTRODUCTION TO POVERTY ANALYSIS. World Bank Institute, Poverty Manual, All, JH Revision of August 8, 2005.
- شاه آبادی، ابوالفضل، صادقی، حامد (۱۳۹۲). مقایسه ی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ. فصلنامه مدلسازی اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۲۱-۴۳.
- شمس، مجید، پالیزبان، سیاوش (۱۳۸۹). تأثیر سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر درآمد نفت بر بازار مسکن در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال سوم، شماره اول.
- صاحب هنر، حامد، ندری، کامران (۱۳۹۲). تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران. فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۳، شماره ۹، صفحه ۱۱۵-۱۴۹.
- صفری، مهدی، کریم، محمدحسین و خسروی، محمد رسول (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۹-۶۱.
- صمدی، سعید، کندری، مهیا (۱۳۸۸). بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی فقر در ایران. ماهنامه نفت و انرژی، ویژه‌نامه چهاردهمین نمایشگاه نفت تهران.
- عظیمی، حسین (۱۳۶۹). رشد و توسعه اقتصادی و تأثیر آن بر فقرزدایی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور، شماره ۳۷، صص ۵۲-۵۴
- کانبور، راوی و لین اسکوایر (۱۳۸۲). تطور تفکر درباره فقر: کشف کنشهای متقابل، در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز. ویراستار جerald میر و جوزف استیگلیتز، مترجم غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی، چاپ اول، صص ۲۷۰-۲۲۳
- مارک هنری، پاول (۱۳۷۴). فقر، پیشرفت و توسعه. ترجمه مسعود محمدی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مرادی، محمدعلی (۱۳۸۹). تأثیر نفت بر نماگرهای اقتصاد کلان ایران: با تأکید بر مکانیزم‌های انتقال و آثار. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۴۰-۱۱۵
- مهر آرا، محسن (۱۳۹۳). آثار درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران مبتنی بر شکست‌های ساختاری درون زا. فصلنامه علوم اقتصادی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص 33-52.
- نخجوانی غروی، سید احمد (۱۳۸۹). بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر فقر خانوارهای کشور. فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۹ و ۱۷۰، ۲۱۳-۲۰۰

یادداشت‌ها

¹ POVERTY

برای مطالعه مفهوم فقر و شاخص‌های مهم آن به مقاله چاپ شده در فصلنامه آفاق امنیت سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۹۴ با عنوان: مفهوم شناسایی و ارزیابی "فقر اقتصادی" به‌عنوان زمینه ساز تهدید امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: مناطق شهری ۱۳۹۱-۱۳۵۸ مراجعه شود. در این قسمت به مختصری از ادبیات فقر مقتبس از این مقاله اشاره می‌گردد.

² *pauvre*

³ *pauper*

⁴ *paucas*

⁵ *pènes*

⁶ *pènia*

⁷ *aporia*

⁸ *Morduch*

⁹ *Hagenaars*

¹⁰ *Böhme*

¹¹ *Davis*

^{۱۲} در این تحقیق منظور از فقر اقتصادی همان فقر درآمدی است که مبنای شاخص آن نسبت افراد فقیر می‌باشد، یعنی درصد افرادی که درآمدهای روزانه آن‌ها پائین‌تر از مقدار خط فقر مطلق (معادل ریالی ۲ دلار در هر روز برای هر نفر طبق تعریف بانک جهانی) باشند درصد یا نسبت افراد فقیر را تشکیل می‌دهند. لذا واژه فقر اقتصادی بکار رفته در این پژوهش معادل واژه فقر درآمدی از دید اقتصادی بکار رفته در تعریف عظیمی می‌باشد و در محاسبه میزان آن بدلیل در دسترس نبودن اطلاعات آماری درآمد خانوار از اطلاعات آماری هزینه خانوار استفاده شده است.

^{۱۳} برای مطالعه روش محاسبه شاخص فقر استفاده شده در این تحقیق به مقاله چاپ شده در فصلنامه آفاق امنیت سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۹۴ با عنوان: مفهوم شناسایی و ارزیابی «فقر اقتصادی» به‌عنوان زمینه ساز تهدید امنیت ملی در ج.ا.ایران مطالعه موردی: مناطق شهری ۱۳۹۱-۱۳۵۸ مراجعه شود. در این تحقیق علاوه بر تصحیح اعداد شاخص فقر در مقاله مذکور تا سال ۱۳۹۱، شاخص فقر تا سال ۱۳۹۴ نیز محاسبه گردید.

^{۱۴} طبق آمار رسمی بانک مرکزی ارزش هر دلار در بازار غیر رسمی در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۳۵۶۸ ریال بوده است که خط فقر مطلق ۲ دلاری، ۲۷۱۳۶ ریال می‌باشد.

¹⁵ *Auto-Regressive Distributed Lag*